

بسم الله الرحمن الرحيم

کشمکش‌های اوکراین؛ ابعاد و انگیزه‌ها

(ترجمه)

پرسش

شبکه‌ی خبری الجزیره به تاریخ 20 دسمبر 2021م در صفحه‌ی اینترنتی خود نوشت: «اردو/سپاه اوکراین و جدایی طلبان وابسته به مسکو با هم درگیر شده و این درگیری منجر به کشته شدن افرادی از هردو جانب گردید. این تنش‌ها در حالی بالا می‌گیرد که درست یک روز قبل الیکسی دانیلوف سکرتر شورای امنیت ملی و دفاع اوکراین اعلان نمود که کشورش برای نخستین بار در تاریخ خویش راهکار مستقل و متشکل از تمام ارگان‌ها و قطعات اردو را به هدف جلوگیری از هرگونه تجاوز احتمالی از جانب روسیه را آماده نموده است. اوکراین قبلاً ادعا نموده بود که روسیه قریب به 100 هزار سرباز را در مرز با اوکراین مستقر نموده تا با پایان جنوری آینده به اوکراین حمله‌ور شود. اما روسیه برنامه‌ریزی برای حمله به اوکراین را رد نمود» (منبع: الجزیره 20 دسمبر 2021م)

پرسش این است که: واقعیت این کشمکش‌ها از چه قرار بوده و ابعاد و انگیزه‌های نهفته در پس آن چیست؟ دیگر این که انتظار می‌رود بالاگرفتن این تنش‌ها به کجا بینجامد، به ویژه تنش‌ها میان روسیه و امریکا؟

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ موارد زیر را به بررسی می‌گیریم:

1. روسیه‌ی قیصری در جریان قرن شانزدهم بالای سرزمین اوکراین مسلط شد، سپس رفته رفته مردم اوکراین خودشان در استعمار سایر مناطق با روسیه شریک شدند و روس‌ها را کمک کردند تا سایر ملت‌ها را زیر استعمار خود در آورند، در حدی که ملت‌های استعمارشده به ندرت روس‌ها و اوکراینی‌ها را از یک‌دیگر تفکیک می‌نمودند؛ مخصوصاً که هردو از ریشه‌ی سلافی هستند. زمانی که اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991م از هم پاشید و در همان سال اوکراین استقلال خود را گرفت، اوکراین در فضای "اتحاد جماهیر شوروی" تبدیل به دولت دوم شده و با داشتن شمار بزرگ نفوس در حدود 40 میلیون تن در شمال بحر سیاه از موقعیت منحصر به فرد برخوردار گردید؛ هم‌چنین با داشتن زیربنای صنعتی که دست کمی از همتای روس‌اش نداشت و با برخوردار بودن از سپر هسته‌ای که یک سوم میراث باقی مانده از شوروی را تمثیل می‌کند. اوکراین از این واقعیت‌ها زمانی برخوردار بود که هنوز بر اساس توافق‌نامه‌ی امریکا و روسیه با اوکراین در مقابل تعهد امریکا و روسیه به حفظ وحدت اراضی اوکراین و حفظ استقلال آن از روسیه جدا نشده بود. اوکراین پس از آن در خصوص ناوگان بحری شوروی در بحر سیاه که روسیه بیش‌ترین سهم آن را به ارث برد، بارها با روسیه وارد مذاکرات سخت و طولانی شد، ناوگانی که بر اساس توافق دو طرف هم‌چنان در بندر سیفاستوبل در جزیره‌ی کریمیه در قالب اوکراین متمرکز باقی ماند.
2. روسیه هر بار در هر کشمکشی که با اوکراین به راه می‌انداخت، موفق نمی‌شد، اوکراین را به آغوش خود برگرداند؛ چه در مسئله‌ی تقسیم ناوگان بحر سیاه در اوایل دهه‌ی نود، یا مسئله‌ی پر جن‌جال پایپ‌های گاز که اتحاد شوروی آن را در داخل

خاک اوکراین بنا کرده بود تا گاز روسیه را از توسط آن به اروپا انتقال دهد و همچنین پیامدهای این مسئله مانند نیاز روسیه به خطوط بدیل مانند خط "سیل ترکی" از طریق بحر سیاه و یا "سیل شمالی" از طریق بحر بلتیک تا آلمان و یا هم در مسایل تجاری مانند نیاز شدید بازار روسیه به شکر و روغنی که در سرزمین حاصلخیز اوکراین تولید می‌گردد و یا هم مسئله عضویت اوکراین در هیأت‌های مختلفی که روسیه برای دولت‌های منظومه‌ی شوروی سابق طراحی نمود و یا هم چنین روی کردهای اوکراین به جانب اتحادیه‌ی اروپا و ناتو که پس از آن بالا گرفت. تمام این کشمکش‌ها میان روسیه و اوکراین به روسیه فرصت نداد در جریان سه دهه‌ی گذشته، با وجود برخورداری از امکانات نظامی بیش‌تر، مجدداً بالای اوکراین تسلط پیدا کند.

3. اوکراین باغچه‌ی جلو روسیه به‌شمار می‌رود و نه مانند کشورهای آسیای میانه که از نظر موقعیت، روابط قومی، دین و تاریخ به مثابه‌ی حیات خلوت آن است. اوکراین برای روسیه و جایگاه بین‌المللی آن نقش سپر را دارد؛ بالای بحر سیاه اشراف داشته و آن‌را در اختیار خود دارد، به علاوه‌ی اشراف آن روی مناطق اسلامی قفقاز که روسیه در طول تاریخ آن‌را به‌خود پیوند داده، هم‌چنین زمین‌های حاصلخیز اوکراین و کالاهای اساسی آن برای روسیه امنیت غذایی به بار آورده و آن‌را در تحول روابطش با غرب محفوظ نگه می‌دارد و از طریق اوکراین است که روسیه به اروپای شرقی راه دارد، چه با خطوط گاز و یا غیر آن. گذشته از همه، اوکراین امروزه آخرین منطقه‌ی حایل برای گشودن گره تاریخی روسیه در ترس و نگرانی از اروپا به‌شمار می‌رود، اروپایی که دو بار "ناپلیون و هتلر" از مسیر اوکراین به روسیه حمله نمود؛ اگرچه ضعف دولت شوروی، آن‌را وادار نمود تا دست از اروپای شرقی به‌عنوان منطقه‌ی حایل بردارد، اما اینک با درنظر داشت پیش‌روی‌های اعضای پیمان ناتو در شرق اروپا، روسیه از اوکراین و بلاروس به‌عنوان همسایه‌گانش انتظار دارد حد اقل به صفت منطقه‌ی حایل در برابر خطرهای ناتو و پیش‌روی‌های ابزار نظامی آن به‌جانب شرق عمل کند. روسیه در حال حاضر قصد دارد اوکراین را از پیوستن به پیمان آتلانتیک شمالی "ناتو" و یا حمایت از آن بازدارد، «سیرگی رباب کوف معاون وزیر خارجه‌ی روسیه، حمایت نظامی امریکا از اوکراین را برای امنیت روسیه یک چالش خواند». (منبع: شبکه‌ی خبری العین 13 اپریل 2021م).

4. غرب، به ویژه امریکا این واقعیت موجود در مورد گره اوکراین در سیاست روسیه را درک نموده و می‌داند که اوکراین نقطه ضعف روسیه است، مخصوصاً پس از آن که تحرکات جریان‌های قومی در اوکراین شدت گرفته و دشمنی آنان با روسیه عمیق گردیده. بناءً اوکراین از دو دهه به این سو تبدیل به میدان کشمکش میان امریکا و اروپا از یک‌طرف و روسیه از طرف دیگر شده است. در پی انقلاب سال 2014م پرتغالی که منجر به برکناری یانکوویچ رئیس‌جمهور وابسته به روسیه‌ی اوکراین گردید، روسیه در همان سال در واکنش به برکناری یانکوویچ شبه‌جزیره‌ی کریمه واقع در جنوب اوکراین را از پی‌کر اوکراین جدا نموده و آن‌را به روسیه پیوند زد، جزیره‌ای که روسیه در آن پایگاه‌های نظامی استراتژیک و بزرگی دارد. روسیه به این هم اکتفاء نکرد؛ بلکه جدایی‌طلبان روس در اوکراین را تحریک نمود تا در مناطق شرقی شورش نموده و استقلال دو ولایت "دونیتسک و لوگانسک" را اعلان نمایند و روسیه این دو ولایت را به نام "روسیه‌ی کوچک" نام‌گذاری نموده کمک‌های نظامی را به آن سرازیر نمود. تمام این واقعیت‌ها باعث شد اوکراین به آغوش غرب رفته و با اصرار خواهان پیوستن به پیمان ناتو گردید، به این امید که از شر خصومت‌های روسیه در امان بماند. غرب شروع به نزدیک نمودن اوکراین به خود نموده و تظاهر به حمایت از آن نمود، چنان‌چه اوکراین را به نشست‌های اروپا و نشست‌های "ناتو" دعوت می‌نمودند، مخصوصاً زمانی که

کش مکش با روسیه شدت بیش‌تری می‌گرفت، در حالی که اوکراین نه عضو اتحادیه‌ی اروپاست و نه "ناتو"، امریکا شروع به مسلح نمودن اوکراین نموده و میلیاردها دالر کمک نظامی به آن پرداخته و اردوی آن‌را تمرینات نظامی می‌دهد.

5. روسیه پیوند دادن جزیره‌ی کریمیه به خود زیر فشار تحریم‌های سخت اروپا و امریکا قرار گرفت، به‌همین دلیل تلاش نمود برای جریان این تحریم‌ها، روابط اقتصادی خود با چین را افزایش دهد؛ چنان‌که خطوط پایپ نقل نفت و گاز به چین را ساخت و گذرگاهی خشکه (راه آهن) برای حمل و نقل مستقیم کالاهای چین به اروپا گشود، یعنی در چهارچوب برنامه‌ی بزرگ چین موسوم به (راه ابریشم) با چین کمک نمود. گذشته از همه؛ روسیه کم‌کم شروع به رها نمودن ذخایر نقدی خویش از وابسته‌گی به اوراق بهادار امریکا و دالر نموده و تجارت خویش را تا حدود زیادی از قید و بند دالر رها نمود. هرچند روسیه از نظر تجارتي در مقایسه با اروپا و چین چندان پر قدرت نیست؛ اما امریکا به این نتیجه رسید که روسیه دارد تسلط اقتصادی امریکا را به‌چالش می‌کشد و سایر دولت‌ها را تشویق می‌کند جرئت گرفته و در برابر آن ایستاده‌گی کنند، چنان‌که این واقعیت را می‌توان در بسیاری از داد و ستدهای تجاری روسیه به‌خصوص با چین در اتکاء به واحدهای پولی داخلی به‌جای دالر مشاهده نمود. بناءً این تهدیدی است برای امریکا و هم‌چنین اتهامی که اخیراً متوجه روسیه شد، مبنی بر این‌که بهای گاز را افزایش داده به هدف این‌که می‌خواهد بحران اقتصادی جدیدی را برای اروپا رقم زند.

6. روسیه به ابعاد و مزایای بزرگ اوکراین از نظر تاریخی، تسلط، اقتصاد و امنیت چشم دوخته، یعنی منطقه‌ی حایل با ناتو. بناءً اوکراین برای روسیه خط سرخ است؛ «پوتین پیمان ناتو را هشدار داد که نیرو و سلاح در اوکراین منتشر خواهد نمود. او گفت: "گسترش زیربنایی نظامی ناتو در اوکراین برای روسیه خط‌سرخ بوده و عکس‌العمل قوی در پی خواهد داشت." از جانب‌دیگر؛ جو‌بایدن رئیس‌جمهور امریکا گفت که وی در خصوص اوکراین هیچ خط‌سرخ را از هیچ طرفی نمی‌پذیرد.» (منبع: نون پست 4 دسمبر 2021م). با توجه به آن‌چه گفته شد، روسیه، که بحران فعلی اوکراین را مدیریت می‌کند، دست از اوکراین بر نداشته و نخواهد گذاشت تبدیل به لقمه‌ی آماده برای امریکا و ناتو شود، مخصوصاً اینک پس از آن‌که تحریم‌های غرب را تجربه نموده و آن‌را تحمل نمود. گذشته از آن؛ روسیه می‌داند که امریکا در حال حاضر سخت درگیر رویارویی با چین است، به این معنا که به هیچ‌وجه امریکا اقدام به پیوستن اوکراین به ناتو نخواهد نمود؛ زیرا این کار هزینه‌های زیادی برای دفاع از اوکراین روی دست امریکا خواهد گذاشت، به‌دلیل این‌که این کار آماده‌گی‌های امریکا در شرق دور برای رویارویی با چین را تضعیف خواهد کرد. از جانب‌دیگر؛ روسیه به اروپائی که نیروی نظامی کم‌تری داشته و در موارد انرژی تا حدود زیادی به روسیه وابسته می‌باشد، اهمیت زیادی قایل نیست، به این معنی که روسیه باور دارد که شرایط بین‌المللی برای موفقیت‌اش در اوکراین آماده است. بناءً سیرگی لاوروف وزیر خارجه‌ی روسیه به انتونی بلینکین همتای امریکایی‌اش ابلاغ نمود که مسکو نیاز به "تضمین‌های امنیتی دراز مدت در مرزهای غربی خود دارد که متوقف شدن روند گسترش پیمان آتلان‌تیک شمالی "ناتو" به‌جانب شرق از آن جمله به‌شمار می‌رود. وی افزود که این درخواستی جدی و حتمی است» (منبع: بوابة الوسط اللیبیه 2 دسمبر 2021م)

7. این است واقعیت خواست‌های روسیه که تنش‌های اوکراین را به‌هدف آن دامن می‌زند، زیرا روسیه به این باور است که غرب روند حمایت تسلیحاتی از اوکراین را افزایش می‌دهد و این‌که ممکن است غرب پس از تقویت تسلیحاتی اوکراین این کشور را

تشویق کند، جدایی‌طلبان روس در شرق اوکراین را ریشه‌کن کند و ممکن است پس از آن اوکراین را تحریک کند در جزیره‌ی کریمیه وارد جنگ شود و این‌ها همه خطرهایی است که متوجه روسیه می‌باشد. والیری گیراسیموف رئیس ارکان روسیه در اظهاراتی گفت: «مسلح نمودن اوکراین با طیاره‌ها/هواپیماها، طیاره‌های بدون سرنشین/جنگنده‌ها و هلیکوپترها/چرخبال‌ها، کییف (پایتخت اوکراین) را انگیزه خواهد داد دست به اقدامات خطرناک بزند، اما هر اقدام تحریم‌آمیز از جانب کییف برای حل اوضاع در دونباس با استفاده از زور فوراً سرکوب خواهد شد». (منبع: آر تی 9 دسامبر 2021م) به این ترتیب بحران کنونی نشان می‌دهد که روسیه در گام نخست می‌خواهد کریمیه بدون هیچ‌گونه شک و تردیدی جزء روسیه باقی بماند؛ بلکه می‌خواهد جهانی، آمریکا و اروپا این قضیه را به رسمیت بشناسند. هدف دوم روسیه این است که شرق اوکراین بیرون از تسلط اوکراین و به عنوان بخشی از روسیه مبدل گردد و هدف سوم، که بیش‌ترین تأثیر را دارد این است که می‌خواهد اوکراین به ناتو نپیوندد و این که نیاز به تضمین‌هایی در این خصوص وجود دارد، به ویژه پس از مانورهای نظامی مشترک ناتو و اوکراین در بحرسیه، چنان‌چه پوتین رئیس‌جمهور روسیه گفت: «مانورهای اخیر پیمان آتلانتیک شمالی "ناتو" در بحر سیاه تمام مرزها را زیر پا نمود. وی گفت که غرب هشدارهای کشورش را به اندازه‌ی کافی جدی نمی‌گیرد. وی که در حضور مسوولین سیاست‌خارجی در مسکو صحبت می‌نمود به پروازهای استراتژیک بمب‌افکن‌های ناتو در فاصله 20 کیلومتری مرز کشورش اشاره نموده گفت که این کار تمام حد و مرزهای مجاز را زیر پا می‌کند. وی افزود: «شرکای غربی ما با حمایت تسلیحاتی مدرن و کشنده و انجام دادن مانورهای تحریک‌آمیز نظامی به تنش‌ها دامن می‌زنند». (منبع: الجزیره نت 18 نومبر 2021م)

8. پاسخ آمریکا به‌خواسته‌های روسیه این بود که نشست دوجانبه‌ای را میان پوتین و بایدن برگزار نمود. این نشست به‌تاریخ 7 دسامبر 2021م برگزار شد و موضوع اساسی آن کشمکش‌های اوکراین بود؛ اما نه یگانه موضوع آن و در جریان نشست معلوم شد که روسیه از آمریکا می‌خواهد خطوط‌سرخ‌ی را که در اوکراین ترسیم نموده به رسمیت بشناسد. این نیز معلوم شد که آمریکا، روسیه را در صورت راه‌اندازی جنگ در اوکراین به تحریم‌های اقتصادی هشدار می‌دهد و آمریکا چیزی فراتر از آن در اختیار ندارد، چنان‌که رئیس‌جمهور آمریکا در روز بعد از نشست تأکید نمود که مداخله‌ی نظامی آمریکا در صورت جنگ روسیه در اوکراین وارد نیست. آمریکا اندکی پیش از نشست توسط بسیاری از مسوولین خود تهدید به تحریم‌هایی نمود که روسیه تا کنون مانند آن‌را ندیده است و در مورد منع جریان عبور گاز روسیه در خط "سیل شمالی" به آلمان سخن گفتند و گفتند که در این خصوص با آلمانی‌ها صحبت خواهند نمود و بزرگ‌ترین کاری را که آمریکا می‌تواند انجام دهد این است که روسیه و بانک مرکزی آن‌را از سیستم تحویلات مالی خارجی منع خواهد نمود، هرچند بسیاری از بخش‌های تجارت روسیه با دالر صورت نمی‌گیرد.

9. با دقت نمودن به این قضیه درخواهیم یافت که روسیه دارد خود را درگیر بحرانی می‌کند که ممکن است پیامد آن به ضرر خود آن تمام شود؛ زیرا آمریکا می‌تواند رئیس‌جمهور اوکراین را تشویق کند روسیه را تحریک نماید تا این که روسیه دیگر فرصت و انتخابی بجز جنگ در اوکراین نداشته باشد و به این ترتیب در گل و لای اوکراین و در برابر اروپا گیر افتد؛ زیرا اوکراین دولت عضو ناتو نیست تا آمریکا مجبور باشد برای دفاع از آن دست به کار شود و در صورتی که روسیه مرتکب اشتباه شده و با اوکراین درگیر شود، آمریکا تمام توجیهات لازم برای وادار نمودن دولت‌های اروپائی و برگرداندن آن‌ها زیر فرمان آمریکا به دلیل قرار گرفتن به گونه‌ی یک صف‌واحد در برابر تجاوز روسیه را به دست خواهد آورد، چیزی که با وجود تعدد قطب‌های جهانی که روسیه ادعا

می‌کند منافات دارد. همچنین افق دیگری نیز وجود دارد که روسیه آن را نمی‌بیند؛ در صورت راه‌اندازی جنگ توسط روسیه در اوکراین، امریکا ابزار جدیدی برای در هم شکستن ائتلاف به وجود آمده میان روسیه و چین در دست خواهد داشت، چنان‌که امریکا خواهد توانست بالای چین فشار آورده و به وسیله‌ی تجارتی که با امریکا دارد آن را هشدار خواهد داد از روسیه‌ی متجاوز به اوکراین فاصله بگیرد؛ که اگر چین به این هشدار تن داد و از روسیه فاصله گرفت، یکی از اهداف بزرگ امریکا برآورده خواهد شد و اگر روسیه به انواع مختلف تحریم‌ها تن داده و پس از جنگ از اوکراین بیرون رفت خواسته‌های امریکا در شرق اوکراین فوراً دنبال خواهد شد؛ بلکه حتی در مورد جزیره‌ی کریمیه و این کار روسیه را از کسب هرگونه دستاوردی از جنگ با اوکراین محروم خواهد نمود؛ حتی عواقب ناگواری را برایش به بار خواهد آورد؛ به علاوه‌ی این که امریکا دولت‌های شرق اروپا را تحریک نموده و آنان را وادار خواهد نمود برای ضربه زدن به روسیه در اوکراین حمایت‌های فعال و مؤثر نظامی روی دست گیرند. در این خصوص شاید تجربه‌ی شکست روسیه در افغانستان هنوز از حافظه‌ها پاک نشده باشد. با توجه به آن‌چه گفته شد؛ روسیه دارد دست به بازی خطرناکی در ماحول اوکراین می‌زند که ممکن است تبدیل به دام بزرگی برایش شده و پیامدهای آن برای روسیه ناگوار کننده باشد، درست مانند فرد احمقی که به عواقب کارهای خود نمی‌اندیشد.

9. در خصوص این که اوضاع به کدام جهت روان است، ذیلاً بررسی می‌گردد:

أ. دولت‌های اروپایی سعی دارند تنش‌ها را کم کنند و روسیه را از جنگ اوکراین منصرف نمایند، اروپا می‌خواهد روابط جهان با روسیه را نرم کند تا از خطرهای احتمالی جلوگیری کرده و روند جریان منابع انرژی روسیه به اروپا با قیمت معقول تضمین گردد، فرانسه و آلمان و ایتالیا خواستار راه‌اندازی مذاکرات با روسیه و اوکراین جهت حل نزاع می‌باشند. چنان‌که: «هایکو ماس وزیر خارجه‌ی آلمان در اظهاراتی گفت که کشورش علاقمند بهبود روابط با روسیه می‌باشد. وی تأکید نمود که تحقق این هدف خواستار پیش‌رفت در حل نزاع در دونباس می‌باشد.» (منبع: آر تی 23 نومبر 2021م) اما انگلیس احتمالاً تلاش دارد اوضاع را از باب رقابت‌سیاسی با اتحادیه‌ی اروپا که از آن بیرون شده، تشدید کند. «ژنرال نیکولاس کارتر رئیس ارکان اردوی انگلیس گفت: خطرها نسبت هر زمان دیگری پس از جنگ سرد بیش‌شده و بیم جنگ میان غرب و روسیه زیاد است.» (منبع: الجزیره نت 13 نومبر 2021م) وی هم‌چنین گفت: «در مورد احتمال بروز کشمکش در منطقه باید هوشیار باشیم. ژنرال نیک کارتر به بی بی سی گفت: امیدوارم عملاً با روسیه جنگی در نگیرد؛ اما وی افزود که ناتو باید برای این احتمال آمادگی داشته باشد. (منبع: بی بی سی 5 دسمبر 2021م) چنین اظهاراتی از جانب انگلیس بیش‌تر از آن که هشدار جنگ باشد، به هدف مشوش کردن طرف‌هاست.

ب. اما قاطع‌ترین عامل موقف امریکاست، زیرا در بسیاری موارد بالای حکومت اوکراین تسلط دارد و به‌همین دلیل است که روسیه با فرستادن نامه‌ای به امریکا خواهان تضمین‌های امنیتی شد و چنین نامه‌ای را تنها برای دولت امریکا فرستاد و نه هیچ دولت دیگری به دلیل این که سایر دولت‌های عضو پیمان ناتو پیرو امریکاستند، در حدی که حتی تأخیر امریکا در پاسخ به نامه‌ی روسیه در خصوص ضمانت امنیتی مخصوصاً موضوع پیوستن اوکراین به پیمان باعث نگرانی روسیه گردیده: «سیرگی ریابکوف معاون وزیر خارجه‌ی روسیه در مسکو گفت: که مسکو نیاز دارد امریکا زودتر به پیشنهادهایش پاسخ دهد؛ زیرا اوضاع دشوار بوده و ممکن است پیچیده شده و تنش‌ها بالا گیرد.» (منبع: الجزیره 20 دسمبر 2021م) به این ترتیب:

- اگر امریکا تصمیم بگیرد در اوکراین برای روسیه ضمانت امنیتی بدهد بدون این که در مورد چین به توافق برسند، در این صورت پله‌ی روسیه در این بحران سن‌گین شده و دادن چنین ضمانت‌هایی پرده از ناتوانایی‌های بیش‌تر موقف امریکا برخواهد داشت؛ زیرا امریکا به خواسته‌های روسیه تن‌داده و به‌خواسته‌های اروپا با سردی پاسخ داده است. پس چنین موقفی از امریکا بعید است؛ مگر این که روسیه در قطع رابطه‌اش با چین به‌نفع امریکا کوتاه بیاید.
 - اما اگر امریکا تصمیم بگیرد روسیه را تحریک نموده و آن‌را وارد جنگ با اوکراین کند در این‌صورت روسیه در دام نقشه‌های امریکا خواهد افتاد و یا انداخته خواهد شد.
 - با دقت نمودن به امور فوق گمان‌اغلب این است که شروع جنگی داغ میان روسیه و اوکراین بعید به‌نظر می‌رسد، مگر این‌که تحولات جدیدی رخ دهد و بر اساس آن روسیه فریب خورده درگیر جنگ شود؛ اما باید در نظر داشت که عدم انتظار جنگ به معنای این نیست که زد و خورد‌های متفرق در مراحل مختلف در شرق اوکراین اتفاق نخواهد افتاد.
- به این ترتیب، انتظار نمی‌رود امریکا بتواند روابط روسیه با چین را به‌طور کلی قطع نماید و در نتیجه روسیه هرگز اهداف سه‌گانه‌ی خود را به‌دست نخواهد آورد؛ ممکن است بر اساس طریقه‌ی پیروان نظام سرمایه‌داری که همانا سازش و حل وسط است، موقف‌گیری امریکا در مورد اهداف سه‌گانه‌ی روسیه نرم‌تر شود و روسیه در عوض آن روابط‌اش با چین را کاهش دهد. آن‌گاه است که روسیه به لشکرکشی خود در مرز با اوکراین پایان داده و به‌همین امتیاز اکتفاء کند.

18 جمادی الاولی 1443 هـ.ق

22 دسمبر 2021 م.

مترجم: عبدالله دانشجو